

۲۵ ۴۳۴۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفتارهایی در آموزش عالی ایران (رویکرد اقتصادی)

با گفتارهایی از

دکتر غلامعلی منتظر استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر احمدرضا روشن استادیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

دکتر غلامرضا گرایی‌نژاد استادیار (بازنشسته) مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

دکتر حسین نصیری مدیر گروه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

دکتر بهروز شاهمرادی استادیار مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور

دکتر امیرعلی سیف‌الدین اصل دانشیار دانشگاه تهران

دکتر علی‌محمد احمدی استادیار دانشگاه تربیت مدرس

به کوشش

دکتر پرستو محمدی استادیار دانشگاه تربیت مدرس

پدید آورنده محمدی، پرستو - ۱۳۵۲.

عنوان و پدیدآور گفتارهایی در آموزش عالی ایران (رویکرد اقتصادی) با گفتارهایی از: غلامعلی

منتظر - احمد رضا روشن - غلامرضا گرای نژاد - حسین نصیری - بهروز شاهمرادی

- امیرعلی سیف‌الدین اصل - علی محمد احمدی / به کوشش: پرستو محمدی

مشخصات نشر تهران، نور علم، ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری ۲۴۰ ص.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۶۶۴-۰

موضوع آموزش عالی - جنبه‌های اقتصادی

Education, Higher - Economic aspects

آموزش عالی - ایران - جنبه‌های اقتصادی

Education, Higher - Economic aspects - Iran

شناسه افزوده غلامعلی منتظر - احمد رضا روشن - غلامرضا گرای نژاد - حسین نصیری - بهروز

شاهمرادی - امیرعلی سیف‌الدین اصل - علی محمد احمدی

شناسه افزوده پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

رده بندی کنگره LC ۶۷/۶

رده بندی دیویی ۳۳۸/۴۳

نشر نور علم: تهران - انقلاب - خ ۱۴ فروردین - پلاک ۲۸۶ - تلفن: ۶۶۹۵۷۰۲۱ و ۶۶۴۰۵۸۸۰ و ۶۶۹۵۷۱۲۰

وب سایت <https://www.modiranketab.ir> پیج اینستاگرام @modiranketab -

گفتارهایی در آموزش عالی ایران (رویکرد اقتصادی)

با گفتارهایی از

دکتر غلامعلی منتظر - دکتر احمد رضا روشن - دکتر غلامرضا گرای نژاد - دکتر حسین نصیری

دکتر بهروز شاهمرادی - دکتر امیرعلی سیف‌الدین اصل - دکتر علی محمد احمدی

به کوشش: دکتر پرستو محمدی

ناشر: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم

شمارگان: ۱۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۶۶۴-۰

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۳

چاپ و صحافی: الغدير

قیمت: ۲۹۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

پیشگفتار	
دیباچه	
گفتار نخست	۱
تحلیلی زمان‌شناسانه بر درون‌دادهای دانشگاه‌های برتر ایران طی پنجاه سال اخیر	
غلامعلی منتظر	
گفتار دوم	۲۷
نقدی بر رویکردهای اقتصادی و مدیریتی اندازه‌گیری بهره‌وری در آموزش عالی	
احمد رضا روشن	
گفتار سوم	۵۷
نقش‌پذیری و اثرگذاری دانشگاه در رشد و توسعه منطقه استقرار	
غلامرضا گرایینی‌نژاد	
گفتار چهارم	۱۰۳
اصل سی‌ام قانون اساسی و هدفمندسازی هزینه‌کرد اعتبارات در آموزش عالی	
حسین نصیری	
گفتار پنجم	۱۳۹
درآمدی بر قابلیت‌های علم، فناوری و تجارت یا رویکرد پیچیدگی	
بهروز شاهمرادی	
گفتار ششم	۱۷۶
رویکردهای مختلف در توسعه و ارزیابی آموزش عالی با تأکید بر اقتصاد آموزش عالی	
امیرعلی سیف‌الدین	
گفتار هفتم	۲۰۴
رویکردهای توسعه و حکمرانی علمی در ایران	
علی محمد احمدی	

پیشگفتار

خوداتکایی و استقلال مالی دانشگاه‌ها، یکی از مسائل مهم در حوزه آموزش عالی کشور است. این موضوع چند سالی است که مورد توجه جدی دانشگاه تربیت مدرس قرار گرفته است. با توجه به اهمیت آن، پژوهشکده اقتصاد بر آن شد تا بستری مناسب برای بحث و گفت‌وگو درباره ابعاد این موضوع و تعاطی افکار و تضارب آرای صاحب‌نظران، مسئولان و خبرگان آموزش عالی فراهم آورد.

در این راستا از پاییز ۱۴۰۲ مجموعه نشست‌هایی در حوزه آموزش عالی با عنوان «تحول در دانشگاه؛ استمرار روند یا رخداد شگفتی‌ساز؟» برگزار گردید و اندیشمندان مختلف ذیل این عنوان، دغدغه‌های مطرح در آموزش عالی را در محیطی علمی به بحث و بررسی گذاشتند. نخستین نشست هم‌زمان با گرامی‌داشت هفته پژوهش در آذرماه ۱۴۰۲ برگزار و هفت نشست تخصصی تا مهر ماه ۱۴۰۳ با حضور خبرگان و صاحب‌نظران برپا شد. علاوه بر کتاب حاضر، گزارش‌های کوتاهی از اهم نکات هر نشست در قالب «تک‌نگاشت»‌هایی جهت استحضار مدیران و علاقه‌مندان حوزه سیاست‌گذاری آموزش عالی تدوین و منتشر شد.

جا دارد از آقای دکتر غلامعلی منتظر که با سخنرانی در اولین نشست، بانی برگزاری این مجموعه نشست‌ها بودند و حمایت‌های بی‌دریغ ایشان موجب به ثمر رساندن این اثر شده است، صمیمانه قدردانی نمایم.

از یکایک سخنرانان فرهیخته، صاحب‌نظران و همکاران گرانقدر که با مشارکت خود در مباحث و ارائه نظرات و دیدگاه‌های ارزشمندشان ما را در غنای هرچه بیشتر دستاوردهای این مجموعه نشست‌ها یاری فرمودند، نهایت تشکر و قدردانی خود را ابراز می‌دارم.

همچنین بر خود لازم می‌دانم از خدمات صادقانه کارکنان پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس که صمیمانه برای برگزاری این مجموعه نشست‌ها همکاری نمودند، مراتب قدردانی و سپاس خود را اعلام دارم.

امید است این مسیر راهی پربار و ادامه‌دار باشد برای پیشبرد و غنای روزافزون و رفع موانع و خلأهای آموزش عالی در ایران.

پرستو محمدی

رئیس پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

آبان ماه ۱۴۰۳

برنام آنکه جان را کثرت آموخت

سر آغاز

یکم. چه مبدأ دانشگاه‌های نوین را تأسیس دانشسراهای عالی تربیت معلم بدانیم، چه دانشگاه تهران، بین ۹۰ تا ۱۰۰ سال از عمر نهادهای جدیدآموزشی در ایران می‌گذرد، اما این موضوع در اصل موضوع توفیری ندارد: پس از قریب به یک سده دانشگاه‌های کشور همچنان درگیر مسائل و مشکلات روزمره هستند؛ آمار نشان می‌دهد که حدود ۹۵ درصد از بودجه دانشگاه‌های دولتی صرف حقوق، دستمزد و هزینه‌های رفاهی می‌شود. دانشگاه‌ها می‌گویند فقط هزینه غذای دانشجویی بین ۲۰ تا ۲۵ درصد بودجه دانشگاه را به خود اختصاص می‌دهد و در دانشگاهی چون تهران با بودجه ۴۳۰۰ میلیارد تومانی در سال ۱۴۰۳، هزینه تغذیه دانشجویی به ماهی ۱۲۰ میلیارد تومان بالغ می‌شود! این عدد واقعی‌ترین هزینه دانشگاه‌هاست که کاملاً متأثر از فضای اقتصادی جامعه است و گرچه هر سال این عدد افزایش می‌یابد، باز کفاف هزینه‌های روزافزون دانشگاه‌ها را نمی‌دهد. شواهد نشان می‌دهد که مجموع بودجه تغذیه دانشگاه‌های کشور در سال ۱۴۰۳ حدود ۷۵۰۰ میلیارد تومان است، ولی پیش‌بینی می‌شود هزینه واقعی از رقم ۹۰۰۰ میلیارد تومان هم بگذرد. این کسری بودجه از کجا تأمین می‌شود؟ طبعاً از بودجه نحیف پژوهش، فناوری و فرهنگ! طرفه اینکه می‌دانیم که نمی‌توانیم رقم هزینه تغذیه را کاهش دهیم، ولی خودمان در قانون برنامه می‌نویسیم که دانشگاه‌ها باید ۱۵ درصد از بودجه خود را برای امور پژوهشی و ۵ درصد را برای امور فرهنگی هزینه‌کنند و نمی‌دانیم بودجه‌ای باقی نمی‌ماند که بخواهد صرف این امور شود (البته این نکته نیز جای تأمل بسیار دارد که آنچه را در ید قدرت و اختیار خودمان است درستی دیگر می‌نویسیم که باید برود در مرجعی دیگر تصویب شود!).

این مصداقی از مسائل مبتلابه در دانشگاه است که بسیار پرتواتر است: پس از گذشت یک قرن هنوز نمی‌دانیم هزینه تمام‌شده یک دانشجو (خواه کاردانی و خواه دکتری) چقدر است و چه ارتباطی میان بودجه سالیانه دانشگاه و تعداد پذیرش دانشجو وجود دارد؟ هر دانشگاه سالیانه عددی را به‌عنوان بودجه دریافت می‌کند و تفاوتش با سال قبل معمولاً

در میزان تورم سال جدید است (و البته ناگفته نماند سهم ریزنی و ارتباطات دانشگاه با وزارت، سازمان برنامه و کمیسیون‌های مجلس هم در آن تأثیرگذار است)؛ نتیجه اینکه سرجمع بودجه دانشگاه به طور متوسط سالیانه ۲۵ تا ۴۰ درصد افزایش می‌یابد، ولی واقعیت این است که مبنای اصلی این عدد مجعول، صرفاً «سنت آبائنا الاولین» است! و به همین دلیل گزاره‌ای در میان مدیران مالی وزارت علوم وجود دارد که «چانه خمیر دانشگاه را از روز ازل کوچک برداشته‌اند»! همه چیز در فضایی مجرد، اداری و بدون توجه به بافتار دانشگاه و نیازهای آن شکل می‌گیرد و به همین دلیل ارتباطی میان بودجه و تعداد استادان، تعداد دانشجویان فعلی، تعداد دانشجویان جدید و مهم‌تر از همه ارتباطی میان بودجه و برنامه‌ها و عملکرد دانشگاه وجود ندارد.

هنوز نمی‌دانیم حقوق استادان دانشگاه را باید چگونه حساب کنیم: هرگاه می‌خواهیم از حق و حقوق استاد دفاع کنیم می‌گوییم آن طرف آب دست کم ۵۰۰۰ دلار به استادشان می‌دهند و ما ۵۰۰-۶۰۰ دلار، ولی یادمان می‌رود که قدرت خرید را هم ملاک بگیریم، به همین دلیل واقعاً نمی‌دانیم برای به‌جا آوردن منزلت اجتماعی و با توجه به شرایط اقتصاد بومی، میزان حق الزحمه اعضای هیئت علمی را چگونه باید محاسبه کنیم؟ هنوز نمی‌دانیم رابطه میان ارتقای مرتبه علمی با حقوق عضو هیئت علمی چه باید باشد؟ و ...

دویم: نکات قبلی در سطح کلان هم صادق است: سال‌هاست که امور دانشگاه‌ها با لختی بسیار پیش می‌رود و رؤسای دانشگاه‌ها همیشه در اندیشه معیشت فردایشان هستند. بارها شاهد بوده‌ام که در اجلاس رؤسای دانشگاه‌ها بحث اصلی رئیس دانشگاه، کمبود اعتبارات مالی برای تغذیه، خوابگاه و تجهیزات اداری و سازمانی بوده است. دلیل اصلی هم این است که سهم آموزش عالی از بودجه عمومی کشور حدود ۳ درصد است و اقتضائات ملی اجازه نمی‌دهد که این عدد را حتی به ۴ درصد رسانند. این همان است که می‌گوییم مجموع بودجه نظام علم و فناوری کشور کمتر از یک میلیارد دلار (یعنی کمتر از بودجه سالیانه یک دانشگاه در کشورهای راقیه) است و راه‌حلی برای آن، دست‌کم در کوتاه‌مدت، متصور نیست.

از سوی دیگر آمار نشان می‌دهد سهم درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها از بودجه آن‌ها حدود ۱۰ درصد است، به تعبیر دیگر حدود ۹۰ درصد از بودجه نظام آموزش عالی دولتی

کشور از چاه‌های نفت تأمین می‌شود و همین بارزترین دلیلی است که در وضعیت تحریم نفت، شاهدیم چقدر دانشگاه‌ها، که اتفاقاً قرار بوده برای اقتصاد غیرنفتی راه‌حل بیابند، با مشکلات عدیده مواجه می‌شوند. نکتهٔ غریب‌تر آنکه بخش اصلی درآمدهای دانشگاه‌ها هم از دوره‌های آموزشی شهریه‌ای (با انواع نام‌های شبانه، نوبت دوم، پردیس خودگردان، پردیس بین‌الملل، یادگیری الکترونیکی و ...) تأمین می‌شود. حال این را بگذارید در کنار این موضوع که سه دهه است داریم بر طبل دانشگاه‌های نسل دوم و سوم و چهارم می‌کوبیم!

اگر بحث را به حوزه‌های دیگر علم و فناوری گسترش دهیم وضع اسفناک‌تر می‌شود: دهه‌هاست در برنامه‌های توسعه می‌نویسیم که سهم پژوهش از تولید ناخالص داخلی باید ۴ درصد شود، ولی ارزیابی‌ها نشان می‌دهد طی این شش برنامه، هیچگاه از ۰٫۶ درصد بیشتر نشده‌است. حیرت‌آور اینکه قانون‌گذار در یک برنامه عدد را می‌نویسد: ۲٫۵ درصد، بعد در پایان برنامه به ۰٫۴ درصد می‌رسد، در برنامهٔ بعدی آن را می‌گذارد: ۳ درصد و در پایان برنامه به ۰٫۵ درصد می‌رسد، اما باز در برنامهٔ بعد این عدد را افزایش می‌دهد تا به ۳٫۵ درصد برسد (گویی با خود می‌اندیشیم که این افزایش، نشان از مناعت طبع برنامه‌ریز و قانون‌گذار دارد!). این موضوع در عالم واقع حقیقت دیگری را عیان می‌کند: از بودجهٔ ۴۲۰۰۰ میلیارد تومانی نظام علم و فناوری در سال ۱۴۰۲ فقط ۱۵۰۰ میلیارد تومان سهم پژوهش و ۱۶۰۰ میلیارد تومان سهم فناوری بوده‌است که مجموعاً حدود ۷ درصد بودجه را به خود اختصاص می‌دهد و شواهد گویای آن است که این سهم در بودجهٔ سال جاری به حدود ۵ درصد کاهش یافته‌است.

در برنامهٔ هفتم پیشرفت گفته‌ایم که باید رتبهٔ علمی کشور از حیث انتشارات نمایه‌شده در پایگاه‌های جهانی به ۱۴ برسد، حال آنکه این رتبه از ۱۵ در سال ۱۴۰۰ به ۱۷ در سال ۱۴۰۳ تغییر یافته‌است. مهم آنکه کشور هجدهم جهان، عربستان سعودی است و شواهد نشان می‌دهد ظرف دوسه سال آینده با شیبی سریع جایگاه جهانی خود را بهتر هم خواهد کرد (البته این نکته به جای خود قابل تعمق است که حاصل این بهبود رتبه چه باید باشد؟ و آیا این رتبه تأثیر مستقیمی در پیشرفت علم و فناوری و البته افزایش رفاه و اقتدار ملی دارد یا نمادی برای احساس غرور ملی است؟) سوای این نکته، به لحاظ اقتصادی نمی‌دانیم این تغییر رتبه چه استلزامات مالی‌ای دارد و اگر قرار است به این هدف برسیم

چقدر باید برای آن هزینه کنیم؟ بماند اینکه همین حکم برنامه حتی «پیوست نظارتی» ندارد و معلوم نیست در هر گام زمانی چه اتفاقی باید بیفتد و چه هدفی باید در هر سال محقق شود؟

سیم: این مصادیق، گستردگی مسائل مربوط به خود دانشگاه، آن هم فقط از بُعد معیشت و اقتصاد را نشان می‌دهد و منطقاً خود دانشگاه باید بدان‌ها بپردازد و برای آن چاره‌جویی کند؛ لیکن شوربختانه دانشگاه‌ها خود را فارغ از وزر و وبال این موضوعات می‌دانند. مشکل هم دوسویه است، نه دانشگاه‌ها و استادان دانشگاه‌ها تمایلی به ورود به این مباحث دارند و نه وزارتخانه برای خود مسئولیتی در این قضایا قائل است. چند سال پیش از تعدادی از استادان حوزه اقتصاد و نیز استادان حوزه آموزش عالی دعوت کرده بودیم تا درباره اهمیت موضوع اقتصاد آموزش عالی و لزوم پرداختن به آن در وزارت علوم صحبت کنیم. در آن جلسه همه بر اهمیت مباحث تأکید داشتند و تصریح می‌کردند که این مسائل همان مشکلاتی است که با حل آن‌ها بخش مهمی از مسائل کلان علم و فناوری کشور قابل تحلیل و مشکل‌گشایی است. خوشحال بودیم که نقطه آغاز را یافته‌ایم، ولی این خوشی چندان نپایید، چون نظاره‌گر بودیم که بعد از آن هیچ اتفاقی نیفتاد! استادان رفتند و موضوع فراموش شد و پس از آن پیگیری‌های ما هم به نتیجه‌ای نرسید، نشستیم و گفتیم و برخاستیم! در برهه‌ای دیگر وزیر علوم فرمان داد هیئتی برای ساماندهی «اقتصاد آموزشی» به مسئولیت معاون اداری و مالی وزارتخانه تشکیل شود، نتیجه آنکه طی دو سال، فقط یک جلسه (و آن هم جلسه معارفه) برگزار شد و دیگر هیچ! دلیل آن هم عدم حضور رئیس هیئت بود. دلیل پرواضحش هم اینکه آن بنده خدا اصلاً نیازی به این موضوع و مفاهیم را حس نمی‌کرد!

اینها همه اماره‌هایی است که نشان می‌دهد چگونه ما مسئله‌های جدی‌مان را وا گذاشته‌ایم و در فکر نقش ایوانیم! نکته غریبی است: ما صاحبان خانه‌ای هستیم که سال‌ها در آن زندگی می‌کنیم ولی در اندیشه نوسازی و بهسازی آن نبوده و نیستیم. خانه از درون با مشکلات متعدد و عمیقی مواجه است که حتی بقای آن را تهدید می‌کند: لوله‌هایش فرسوده‌اند، سقفش ترک برداشته و پیاش به مقاوم‌سازی نیاز دارد، ولی ما از آن غافلیم و همه وقت، انرژی، دانش، استعداد و تجربه‌مان را در بیرون خانه خرج می‌کنیم

چهارم. دانشگاه تربیت مدرس قریب به ۲۰ مؤسسه پژوهشی دارد که هدفشان پاسخ‌گویی به نیازهای پژوهشی جامعه است که یکی از آنها نیز پژوهشکده اقتصاد با پیشینه‌ای حدود ۳۵ سال است که ارتباط وثیقی با موضوع پیدا می‌کند، خاصه اینکه گروهی هم به نام «اقتصاد پژوهش» در مجموعه دارند. حدود دوسال پیش در آبان ماه ۱۴۰۱ این موضوع با پژوهشکده مطرح شد که کالبدشکافی، آسیب شناسی و چاره‌جویی درباره اقتصاد آموزش عالی را در دستور کار نهند و آنها هم پذیرفتند که موضوع را پیش ببرند، ولی تا حدود یک‌سال بعد نتیجه‌ای ملموس حاصل نشد. پس از آن بود که با همت رئیس پژوهشکده، خانم دکتر پرستو محمدی، موضوع جان تازه‌ای یافت و قرار شد در نخستین گام با دعوت از صاحب‌نظران و دغدغه‌مندان این حوزه، موضوع بازگشوده شود و الفتی بین اذهان اندیشمندان پدید آید. حاصل این نیت، برگزاری هفت سخنرانی در فاصله زمانی آذر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۳ بود که هرچند تلاش آن بود که همه حول محور «اقتصاد آموزش عالی» باشد، در عمل موضوعات متنوعی دایرمدار دانشگاه (و البته مرتبط با موضوع اصلی) طرح شد که هریک آموزه‌های خوبی را دربرداشت.

اکنون با جهد بلیغ رئیس پرتلاش و دانش‌دوست پژوهشکده، مجموعه گفت‌ووشنودهای این نشست‌ها مدون و منقح شده و به زیور طبع آراسته گشته و در منظر علاقه‌مندان قرار گرفته‌است. گمان نگارنده آن است که این تلاش همچنان باید مداومت یابد تا ابعاد این موضوع بیش از پیش بازگشوده شود و با جلب علاقه پژوهشگران و اندیشمندان از یک‌سو و البته با تلنگر به سیاست‌گذاران برای عطف توجه به این مبحث گران، راه‌های نو برای پرداختن به این موضوع بازگشوده شود- به امید آن روز-.

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی

غلامعلی منتظر

آبان ماه ۱۴۰۳